



مجمع جهانی صلح اسلامی

ترجمان روز

Translation Day

گزارش

گمانه زنی های مختلف در مورد

مقصد بعدی داعش؟

شماره: ۱۳۰

شهریور ماه ۹۶

رصدخانه روابط بین الملل

ترجمان روز نگاهی است خبری و تحلیل گرایانه به اقدامات و پدیده های جهانی در حوزه فرهنگی، اجتماعی و روابط بین الملل

سخنی با خوانندگان:

رصد مداوم و تجزیه و تحلیل آخرین رویدادها در عرصه بین الملل برای ایجاد شناخت، روند شناسی و برنامه ریزی صحیح از جمله نیازهای ضروری است.

بدین منظور گروه رصدخانه روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی این مهم را در دستور کار خود قرار داده و بخشی از آن را به صورت موردی با عنوان ترجمان روز منتشر می نماید.

هر گونه مساعدت و همفکری در جهت افزایش غنای این گزارش های خبری و تحلیلی مزید امتنان است.

بدیهی است طرح گزارش ها و تحلیل ها گرایشی نبوده و به عنوان نظر رسمی این مجمع نیز تلقی نمی گردد.

از آنجا که این گزارش صرفاً برای تعدادی از مسئولان و مدیران انتشار می یابد، بهره برداری، انتشار و کپی برداری از مطالب با هماهنگی این

مجمع مجاز خواهد بود. تلفن: ۸۸۵۳۸۲۴۸ ایمیل: iwpcf2008@gmail.com — آدرس تلگرامی: @iw_peace

گزارش موردی: گمانه زنی های مختلف در مورد مقصد بعدی داعش؟



مقدمه

کمتر کسی تصور می کرد که پس از اعلام موجودیت گروه تکفیری - تروریستی داعش، این گروه بتواند با این سرعت توسعه پیدا کرده و دنیا را با تهدید و چالش مواجه نماید. به جرات می توان گفت که از بین گروه های تروریستی که در چند سال اخیر، در منطقه خاورمیانه ظهور کرده اند، گروه داعش یکی از خطرناک ترین و پیچیده ترین گروه هاست که با وجود مقابله ی دولت و ارتش سوریه و همچنین مقاومت ها و تقابل ها در عراق و مقابله ائتلاف های مختلف منطقه ای و جهانی، همچنان در حال فعالیت است. این گروه تروریستی تروریستی که در واقع یک گروه نظامی - نمایشی است، به نظر می رسد بیشتر برای تحقق اهداف استکبار جهانی تشکیل شده است و طبیعی است بخشی از آینده پیش روی این گروه، به رویکرد غرب در خصوص مسائل امنیتی غرب آسیا برمی گردد. شاهد این مدعا خاطرات «هیلاری کلینتون»، وزیر امور خارجه اسبق آمریکاست که اذعان می کند: «ما داعش را برای تقسیم خاورمیانه ایجاد کردیم». همچنین «ادوارد اسنودن» کارمند سابق آژانس امنیت ملی آمریکا در این باره می گوید: «سازمان های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در شکل گیری گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) نقش داشتند و در عملیاتی با نام «لانه زنبور» گروه داعش را تشکیل دادند.» وی طبق اسناد فاش شده معتقد است گروه داعش برای حمایت از اسرائیل تشکیل شده است و هدف عملیات «لانه زنبور» تشکیل گروهی با شعارهای اسلامی است که تندروها را از سراسر جهان جذب کند و بر اساس اندیشه های تکفیری، سلاح خود را به سوی کشورهای مخالف موجودیت اسرائیل نشانه بگیرد.

بر این اساس با توجه افول داعش در عراق و سوریه ضرورتی جدی وجود دارد تا در مورد آینده این گروه تروریستی که خطری جدی برای صلح و امنیت بین المللی است اندیشید و کشورهای میزبان احتمالی آنها را مورد شناسایی قرار داد. از سوی دیگر، آینده به قدری پیچیده است که نمی توان بطور قطعی بر شکل گیری یک آینده مشخص پافشاری نمود. ترسیم دورنمای آینده داعش همواره با عدم

قطعیت همراه است، لذا آینده پژوهان به جای نشان دادن یک پیش بینی متقن و دقیق، معمولاً با ارائه چندین آینده محتمل، ضمن جلوگیری از غافلگیری، آینده مطلوب را نیز از میان آینده های ممکن، معرفی می نمایند. به منظور درک بهتر آینده های محتمل و پیش روی داعش لازم است تا پیشران های اثرگذار بر حیات این گروه را شناسایی و مورد تحلیل قرار داد. در واقع فاکتورهای متعددی چون تحولات منطقه ای، تغییر رویکردهای قدرت های غربی، ائتلاف های جدید و یا هر عامل قابل تصور دیگری می تواند موجب تاثیر گذاری بر آینده داعش شود؛ بر این مبنا تلاش می شود تا همه آینده های محتمل و فراروی این گروه در نظر گرفته شود و به تعبیری همه احتمالات آتی و کشورهای احتمالی میزبان داعش مورد بحث قرار گیرند. ضمن اینکه آنچه در مورد آینده داعش مهم است اینکه این گروه یک گروه تروریستی خطرناک برای کشورهای جهان است، با این اوصاف، مبارزه با داعش به همان اندازه که در سطح جهانی به یک ضرورت جدی تبدیل شده و تهدید آن فراملی گردیده کشورهای جهان به خصوص کشورهای اسلامی باید در مقابل این گروه تروریستی که از نام اسلام سوء استفاده می کنند متحد شوند.

در این راستا یکی از سناریوی پیش روی داعش بعد از شکست در عراق و سوریه را می توان انتقال خلافت آن ها به دیگر کشورهای مسلمان دانست. بدین معنی که پس از شکست در هر منطقه ای، خلافت به دیگر مناطق انتقال داده شود. در این ارتباط می توان در اولین گام انتقال پایتخت از عراق و سوریه به لیبی و یا افغانستان را مطرح کرد. سناریوی دیگر انتقال داعش به آسیای مرکزی یا قفقاز است که کم و بیش زمینه های لازم برای فعالیت داعش در آنجا فراهم است. هر چند در این حالت حکومت داعش را نمی توان خلافت نامید اما می تواند عنوان دولت اسلامی را حفظ کند. این سناریو تا حدود زیادی قابلیت تحقق دارد و می تواند در قالب حکومتی کوچک بر بخشی محدود از سرزمین ها کشورهای اسلامی تداوم داشته باشد. با این وجود، این حکومت به معنای محدود شدن فعالیت داعش نخواهد بود، بلکه داعش و تفکر داعشیسم ریشه در میان اذهان فریب خوردگان در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا و جهان دوانده که آثار و بقایای آن در اذهان فعلا باقی خواهد ماند.

حضور داعش در آفریقا



یکی دیگر از شرایط بحرانی که در منطقه شمال آفریقا روی داده است ظهور و تکثیر داعش در این منطقه است یا بهتر می توان گفت بخشی از منطقه ای چون کشور لیبی به زیر یوغ داعش رفته است و این در حالی است که به علت اختلاف عمیق دولت نظامی حاکم بر مصر که با کودتا به روی کار آمد و حامی غرب است و باعث شده است که سه اتفاق عمده در شمال آفریقا روی دهد. در مرحله اول خود کشور مصر که در کنار عربستان محل اقامت و زندگی بخشی از تنوریسین

های گروه صیهونیستی تکفیری داعش است از حملات تروریستی این گروه مصون بماند و به نوعی خودش را از درگیری نظامی دور نگه داشته است. در مرحله دوم اقدامات نظامی بالفعل و تروریستی این گروه به نظر می رسد در اختیار مخالفان حاکمیت فعلی است که از آن به عنوان یک اهرم فشار علیه وی استفاده می کنند و در بسیاری از موارد برای تحت فشار قرار دادن حکومت نظامی السیسی و تهدید وی در عرصه های مختلف از این گروه تروریستی استفاده می کنند؛ اما سومین اتفاق که شاید از همه مهمتر و خطرناک تر باشد این است که مصر به صورت غیر رسمی به پایگاهی برای صادر کردن تفکر تکفیری داعش به کشورهای همسایه خود به ویژه لیبی تبدیل شده است. هم اکنون شاهد به قدرت رسیدن و تصاحب بخش های بسیار وسیعی از کشور لیبی توسط گروه تروریستی داعش هستیم هر چند که برخی گروه های مردمی و ارتش از هم گسیخته لیبی پس از سقوط حکومت معمر قذافی در حال مقابله و مبارزه با این گروه تروریستی هستند اما آنچه واضح و مسلم است نه امکانات کافی و نه توان لازم برای مقابله با این گروه تروریستی که همه جانبه

مورد حمایت کشورهای منطقه ای و فرمانطقه ای است را در اختیار ندارند چراکه سازماندهی مناسب نیز به صورت مشخص در بین گروه های مقاومت مردمی به چشم نمی خورد. حضور داعش در لیبی خطرات بالقوه و بالفعلی را برای منطقه و حتی جهان به همراه دارد ، یکی از مهمترین خطرات آن دست یافتن این گروه تروریستی به انواع سلاح های نیمه سنگین و حتی سنگین در لیبی است سلاح هایی نظیر انواع موشک های دوش پرتاب و راکت های بازدارنده که امکان رهگیری و انهدام هواپیماهای مسافربری و غیر جنگنده را دارد که این مسئله خود هشدار بسیار مهمی برای کشورهای همسایه و حتی دیگر کشورهای جهان محسوب می شود . هرچند ایالات متحده مدعی نبود کردن یا غیر عملیاتی کردن و از کار انداختن این سلاح ها در اوایل حمله به لیبی است اما شواهد و قرائن گواه این است که بخشی از این ۲۰ هزار موشک نیمه سنگین با امکانات عملیاتی در اختیار داعش قرار دارد و در پاره ای از موارد نیز مورد استفاده قرار گرفته است. البته باید امیدوار بود تجهیزات و ادوات نظامی داعش در لیبی منحصر به همین موارد مشخص باشد و ذرات خانه های موشکی و نظامی که پیش از این در اختیار معمر قذافی دیکتاتور سابق لیبی بود در اختیار این گروهک ضد بشری قرار نگرفته باشد. از دیگر بحران های که در شمال آفریقا در حال وقوع است سرایت این گروه به مرکز این قاره پهناور و دیگر نقاط آنجاست تا جاییکه بسیاری از گروه های تروریستی و تکفیری به اصطلاح مسلمان که پیش از این در این قاره با حمایت مستقیم تسلیحاتی آمریکا و دیگر متحدان غربی آمریکا حرکات و اقدامات تروریستی انجام می دادند با صراحت از این گروه تروریستی حمایت و حتی دست دوستی دراز کردند تا جاییکه در بسیار از موارد در حمایت از داعش اقدامات تروریستی انجام داده اند و یا دامنه حرکات وحشیانه خود را گسترش دادند. اما آنچه به نظر می رسد این است که نزدیکی لیبی به اروپا از نظر بعد مسافت و در تیر رس بودن لاقبل بخشی از جنوب کشورهای اروپایی از سوی داعش این بحران را اندکی جدی تر مطرح می کند ، به دو دلیل ؛ اول اینکه امکان دارد اعضای اروپایی تبار یا حتی دیگر اقوام این گروه تکفیری خودشان را به زادگاه های خود در خاک اروپا برسانند یا حتی برخی از اقدامات تروریستی از سوی اعضای غیر اروپایی در بخش هایی از اروپا اتفاق بیفتد و دوم اینکه امکان دارد با داشتن برخی تسلیحات نیمه پیشرفته با کمک قایق های مسلح یا حتی از خاک لیبی به اروپا حمله نظامی کنند . هرچند حضور داعش در زیر پای قاره سبز برای شریک غربی اروپا به عنوان اهرم فشاری علیه قاره سبز کاربرد دارد. این خطر بسیار جدی و نزدیک می نماید.

حضور داعش در افغانستان



ظهور داعش در افغانستان با توجه به تحولات منطقه ای و جهانی به نظر می رسد که برگ جدید بازی غربی ها به ویژه آمریکا در این کشور است . به همین منظور رئیس جمهور سابق افغانستان اعلام کرده بود که گروه تروریستی داعش محصول و عامل آمریکاست و مقامات واشنگتن برای این منظور باید توضیح دهند. چندی قبل نیز گروه تروریستی داعش با انتشار تصاویری مدعی شد که به تجهیزات نظامی

حساس و کارت های شناسایی نظامیان آمریکایی دست یافته است. به نظر کارشناسان، شاید این اقدام نمایشی داعش به این دلیل انجام شده است که از این پس آنها از سلاح های آمریکایی استفاده خواهند کرد. از دیگر اهداف حمایت از داعش در افغانستان را می توان خرید زمان برای حضور بلند مدت غربی ها برای پیاده سازی طرح های جدید در منطقه نام برد. یکی از طرح هایی که همواره نگرانی برخی از کارشناسان را در پی داشته است کمک آمریکا به کوچ داعش از عراق و سوریه به زیستگاه جدیدی مانند افغانستان بوده است. کارشناسان معتقدند که آمریکا تلاش دارد تا با صدور تروریسم از مرزهای شمالی افغانستان به کشورهای آسیای مرکزی روسیه و کشورهای همجوار آن را ناامن کند هر چند داعش برای استقرار و فعالیت های موثر در افغانستان موانع مختلفی دارد اما به گفته این

کارشناسان درشت‌نمایی داعش و حمایت از این گروه تروریستی در افغانستان چراغ سبز به تکفیری‌ها در سوریه و عراق است تا افغانستان را به عنوان زیستگاه جدیدی در انتخاب کوچ خود قرار دهند.

حضور داعش در آسیای مرکزی و قفقاز



منطقه آسیای مرکزی در گذشته‌های نه چندان دور یکی از مراکز اصلی فقهی اهل سنت (به ویژه اهل سنت حنفی مذهب) به حساب می‌آمد. مدارس دینی این منطقه در شهرهایی مثل بخارا، خیوه و سمرقند شهرتی جهانی داشته و بسیاری از علمای بزرگ اسلامی برای تکمیل دوره تحصیلات دینی خود عازم آسیای مرکزی می‌شدند. این دوره پرشکوه با تسلط تزارهای روسی بر آسیای مرکزی رو به افول گذاشته و با به قدرت رسیدن بلشویک‌ها نابود شد. مردم مسلمان منطقه آسیای

مرکزی نزدیک به چند نسل ارتباط خود را با دنیای اصلی و مادر (امت اسلامی) از دست دادند. این جدایی در دوره حاکمیت ۷۰ ساله کمونیست‌ها تشدید شده و با توجه به رویه دین ستیز حاکمان شوروی سابق، مسلمانان منطقه و به ویژه نسل جوانان آن از تعلیمات ضروری اسلامی محروم ماندند. ثمره این شرایط تربیت نسلی کم اطلاع از مسائل دینی بود. دولت‌های تازه تاسیس نیز تا به خود آمدند با موجی از اسلام‌خواهی جهادی در کشورهای خود مواجه شدند. راهکار این دولت‌ها هم بدترین گزینه ممکن بود. اعمال محدودیت‌های غیرعادی بر زندگی عادی دینی مردم منطقه و سرکوب هر گونه گرایش به دین و شعائر دینی تحت عنوان مبارزه با تروریسم. بنابراین از جهت شرایط نخست یعنی عنصر کم آگاهی دینی مردم منطقه، زمینه گسترش تفکرات داعشی در منطقه آسیای مرکزی کاملاً مهیا شد. اما داعش در زمینه شرایط دوم هم با بستری مهیا در آسیای مرکزی مواجه است. این بستر نارضایتی اجتماعی مردم از حاکمان است. در طول حیات ۲۶ ساله کشورهای مسلمان منطقه، غالباً همان حاکمان دوران شوروی سابق با پوششی به ظاهر دموکراتیک قدرت را در کشورهای منطقه در دست دارند. در این میان مردم، به غیر از قرقیزستان، در سایر کشورهای آسیای مرکزی رقابت واقعی سیاسی برای کسب قدرت را تجربه نکرده‌اند. علاوه بر این، فضای اقتصادی و اجتماعی کشورهای منطقه مردم را در تنگنای نگران‌کننده‌ای قرار داده است.

مردم منطقه آسیای مرکزی غالباً از شرایط اقتصادی و اجتماعی زندگی خود ناراضی هستند. این شرایط بهترین زمینه برای نفوذ و گسترش تفکرات افراطی در منطقه است. داعش نشان داده است که قدر این فرصت‌ها و زمینه‌های مساعد را به خوبی می‌داند و با توجه به ضعف ارتش و نیروهای مرزبانی کشورهای منطقه، افزایش تحرکات آن در این کشورها به هیچ وجه دور از انتظار نیست. امروز این مساله یک زنگ هشدار است، آیا در آینده این شرایط زمینه ساز اعلام خلافتی جدید در منطقه خواهد بود. آسیای مرکزی و قفقاز نیز همانند دیگر مناطق آسیا در هفته‌ها و ماه‌های اخیر شاهد تحولاتی از سوی برخی حامیان و گروه‌های افراطی وابسته به تروریست‌های داعش بوده است. سطح پایین آگاهی بخش‌هایی از جامعه این منطقه و سرمایه‌گذاری داعش به کمک برخی کشورهای فرامنطقه‌ای در این حوزه، سیاست‌های این گروه در سازماندهی و تشکیل شاخه‌های خود را در آنجا هموار کرده است. برخی رسانه‌های خارجی از اختصاص ۷۰ میلیون دلار برای انجام این سیاست‌ها در آسیای مرکزی توسط حامیان داعش سخن به میان می‌آورند؛ سیاستی که با توجه به اقتصاد ضعیف و شکننده برخی کشورهای این حوزه و وابستگی بیش از ۴۰ درصدی درآمد ناخالص ملی آنها به ارزآوری کارگران شاغل در روسیه و پایین آمدن این درآمدها به واسطه تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه توسط اروپا و آمریکا، می‌تواند تاثیر فراوانی بر رشد افراط‌گرایی و پیوستن به گروه تروریستی داعش در آسیای مرکزی بگذارد. گفتنی است آسیای مرکزی از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، همچنان خلأ قدرتی را تجربه می‌کند که یکی از نتایج آن وجود بسترهای لازم برای تروریست‌پروری است.

مهم ترین عوامل تبدیل این منطقه به بستری مناسب برای حضور و تکثیر گروه های تروریستی عبارتند از:

عدم وجود ثبات سیاسی

دولت بسته و خاندان سالاری

فقر و بیکاری گسترده

زمینه سست اعتقادی

نفوذ پذیری بالا مرزهای جمهوری های پنج گانه (قرقیزستان، ترکمنستان، قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان)

عدم آگاهی مردم نسبت به دین اسلام و اطلاعات محدود مردم کشورهای این منطقه از مذهب

قار داشتن در مسیر اصلی تجارت اسلحه و مواد مخدر

وجود ارتباط نزدیک با وهابی ها و سلفی ها

وجود گذرگاه ها و خطوط مرزی ژئوپلیتیک، ژئواکون، میک و ژئواستراتژیک

افزایش حضور رژیم صهیونیستی در آسیای مرکزی و قفقاز

حضور آمریکا در منطقه با تاکید بر سیاست نفوذ و اهرم فشار علیه مثلث مسکو-تهران-پکن

وجود "دره فرغانه" (دشتی وسیع با مساحت ۲۲۰۰۰ کیلومتر مربع) با جمعیتی حدود ۱۲ میلیونی که اکنون میان سه جمهوری قرقیزستان- تاجیکستان و ازبکستان گسترده شده است. یکی از برگه های برنده هر سازمان تروریستی است که قصد ایجاد پایگاه را در منطقه آسیای مرکزی دارد.

و هزینه تبلیغاتی سرسام آور عربستان برای ترویج فرقه وهابیت در منطقه از طریق گسترش مساجد وهابی و مراکز آموزشی مربوط به آن از جمله:

تدوین و انتشار کتابهای مذهبی با قرائت وهابی- سلفی	اعطای کمک های مالی به جریان های وابسته به خود در منطقه	تسیس و احداث مساجد و نهادهای مبلغ وهابیت	آموزش طلاب و جوانان در مدارس دینی وابسته به خود	اعزام مبلغات وهابی به مناطق مختلف کشورهای منطقه	استفاده از ظرفیت گروه های افراطی القاعده و طالبان برای نفوذ در میان مردم منطقه	سو استفاده از فقر مالی برای جذب آنها در گروه های افراطی
---	--	--	---	---	--	---

گمانه زنی های صاحب نظران در مورد مقصد بعدی داعش

الکسی پادبرزکین مدیر مرکز تحقیقات نظامی - سیاسی دانشگاه روابط بین الملل روسیه



با اشاره به اینکه افغانستان محل عبور داعش می باشد و آنها می توانند گروه های خود را در کشورهای آسیای مرکزی تشکیل دهند، تأکید دارد که حضور داعش در افغانستان نه یک پدیده، بلکه قاعده است و می تواند به طور سریع در دیگر کشورها نفوذ پیدا کند.

حکمت الله عارفی، استاد پوهنتون گرجستان

بر این عقیده است که داعش یک گروه گسترده و دارای ریشه های فکری در نهادهای اجتماعی است که در افغانستان نیز در حال عضو گیری می باشد. ناپودی این گروه با ابزار نظامی و فشار فزینی ممکن نیست، بلکه مبارزه با ریشه های اندیشه ای این گروه نیز لازم است. با این حساب، تعیین ناپودی ضرب الاجل یک ساله برای این گروه منطق مناسبی ندارد. کما این که سایر گروه ها نیز چنین ساختار و هویتی دارند. این در حالی است که برخی از آگاهان، گروه داعش را دارای پایگاه سنتی در افغانستان نمی دانند. به باور آنها، اگر عزم جدی برای ریشه کن کردن گروه داعش وجود داشته باشد، ناپودی آن آسان تر از سایر گروه های فعال است.

تارنمای روزنامه «نیو استریت تایمز»، به نقل از «احمد زاهد حمیدی» معاون نخست وزیر مالی

دستگاه های اطلاعاتی این کشور، گروه تروریستی داعش مجمع الجزایر مالایا را با عنوان «کتیبه نوسانتارا» که عامل عملیات تروریستی در این منطقه است، شناسایی کرده اند. این بدان معنا است که گروه تروریستی داعش که با سایر گروه های تروریستی در منطقه مرتبط است به شکل سلولی عمل می کنند تا ضمن گمراه کردن دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی منطقه، امکان ناپودی خود را به حداقل برسانند. گروه تروریستی داعش در حالی حضور خود را در جنوب شرق آسیا مطرح می کند که مردم کشورهای منطقه هیچ تمایلی به پذیرش دیدگاه های افراطی و تروریستی ندارند و مساله ای وارداتی از سوی وهابیون تلقی می شود که در جنوب آسیا در پاکستان و در جنوب شرق آسیا در فیلیپین، مالزی و اندونزی در حال ظهور و نمایش قدرت است. وجود صدها مدرسه مذهبی در مالزی و اندونزی که تحت مدیریت و یا آموزش وهابیون قرار دارند در کنار حمایت برخی مقامات دولت مالزی از فعالیت موسسات آموزشی مرتبط با عربستان به گونه ای است که زمینه حضور گروه های تروریستی داعش را در این منطقه فراهم می کند. موضوع مهمی که دولتهای کوالالامپور و جاکارتا چشمان خود را بر روی آن بسته اند و صرفا با دادن شعار مقابله با تروریسم ابراز نگرانی می کنند. این در حالی است که مقابله با تروریسم نیازمند همکاری جمعی و همه جانبه و بخصوص ریشه ای است که مهمترین آن برخورد با مدارس مذهبی فعال تحت نظارت وهابیون و کمک های مالی حکام آل سعود در منطقه جنوب شرق آسیا است.

همچنین محافل سیاسی و امنیتی در منطقه جنوب شرق آسیا افزایش حضور داعش در این منطقه را بی ارتباط با شکست های پی در پی این گروه تروریستی در سوریه و عراق نمی دانند. کشورهای حامی این گروه بویژه عربستان با انتقال تروریست های داعش از خاورمیانه به افغانستان و نیز کشورهای حوزه جنوب شرق آسیا از جمله فیلیپین، در صدد ساماندهی مجدد آنها برای ایجاد به اصطلاح خلافت

شرقی داعش هستند. در این راستا گروه تروریستی داعش می کوشد از گروههای تروریستی بومی استفاده کند تا بتواند ضمن ساماندهی نیروهای خود، همچنان گروه تروریستی داعش را به عنوان نیرویی تاثیر گذار حفظ کند.

گمانه زنی حضور داعش در اروپا

باید بر این نکته اذعان داشت که داعش هرچند ظرفیت حکومت سازی را در اروپا ندارد اما می خواهد اروپا را برای پذیرش و حمایت بیشتر تحت فشار قرار دهد. در این میان بعید نیست هدف قرار دادن پایتخت های اروپایی دیگری غیر از بروکسل، مانند پاریس و لندن و شاید خود آمریکا در چارچوب استراتژی تهاجمی جدید داعش باشد؛ زیرا داعش در پی اجرایی کردن بخش مربوط به شوک رسانه ای گنجانده شده در استراتژی خودش است، به رغم این که، آن طی ۱۸ ماه گذشته بیش از ۷۵ حمله در خارج از سوریه و عراق انجام داد ولی تنها حملاتی که تحت پوشش گسترده رسانه ها بودند، حملات پاریس و بروکسل بود.

عبدالباری عطوان سردبیر روزنامه الکترونیکی رای الیوم

سخت است نشانه های استراتژی «تهاجمی» جدید داعش را مشخص کرد ولی می توان این گونه گمانه زنی کرد که آن، لیبی را به عنوان مقر ذخیره ای خود انتخاب کرده است. داعش در مناطق «درنه»، «جبل الاخضر» در شرق و «سرت» در غرب و «الکفره» در جنوب لیبی حضور دارد و تعداد عناصر آن نیز حدود بیش از ۱۰ هزار جنگجو است که برخی از آنها از افراد قبایل متعصبی هستند که مانند برخی از عناصر امنیتی وابسته به رژیم سرهنگ «معمر قذافی»، به دلیل حمایت از نظام سابق به حاشیه رانده شده اند. علاوه بر این، بیش از ۳۰ میلیون قطعه سلاح از انواع و در حجم های مختلف و نیز هزاران تن مهمات و تجهیزات نظامی سنگین در لیبی وجود دارد.

یاروسلاو تروفیموف دیدگاه نویس روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال

سه سال است که داعش خلافت خودخوانده خود را اعلام کرده است و در این مدت زمان به یک شهروند جهانی بدل شده است. این خلافت خودخوانده هرچند در سوریه و عراق متحمل شکست هایی سنگین شده، اما این به معنای آن نیست که قدرت نفوذش در دیگر کشورهای جهان که وفادارانی هم در آنها دارد از بین رفته است. سیطره نفوذ خلافت خودخوانده داعش که این گروه آنها را ولایات خود می نامد، از غرب آفریقا گرفته تا فیلیپین بسط دارد. داعش این پهنای وسیع گسترده ولایات خودخوانده اش را مرهون سازمان های شورشی محلی می داند. از نمونه انواع و اقسام این گروه ها می توان از «بوکو حرام» در نیجریه و یا «انصار بیت المقدس» در شبه جزیره سینا در نام برد. اما سایر ولایات داعش تقریباً در دستان گروه های میانه روتر بود مانند داعش خوراسان که متشکل از شرورترین عناصر تکفیری در افغانستان و پاکستان بود. بعضی از گروه ها مانند بوکو حرام؛ بر قلمرو عظیمی احاطه پیدا کردند. سایر ولایات داعش مانند شمال قفقاز در روسیه متشکل از ستیزه جویانی بود که در خطه های مختلف پراکنده بودند. داعش اگرچه موصل را باخته است و بزودی رقه سوریه را، که دومین قطب محکم آن بوده است، از دست خواهد داد، اما این گروه در دوردستها همچنان جنگ افروزی می کند. علتش این است که انرژی پویای ستیزه ها در آنجا، بومی است و ربطی به خاورمیانه ندارد.

زلمی خلیل زاد سفیر سابق آمریکا در افغانستان و عراق

چند ماه قبل گفته بود که شکست گروه داعش در عراق و سوریه قطعی است و عدم حاکمیت سراسری دولت در افغانستان باعث خواهد شد تا این گروه افغانستان را به عنوان مرکز بعدی خود انتخاب کنند.

متیو گیده ره کارشناس مسائل تروریسم در دانشگاه تولوس فرانسه

داعش الآن تنها شکستی که در خود احساس می کند، شکست روانی است. حواس این گروهها بسیار جمع است که مبادا به سرنوشت داعش در موصل گرفتار شوند و به همین خاطر درسهای عبرت آموز شکست داعش در موصل را فرا می گیرند. در هفته های اخیر که موصل به همت سربازان عراقی از چنگال داعش خارج می شد، وفاداران به داعش در نیمه دیگر کره زمین در تلاش بودند تا شهر ماراوی یکی از بزرگترین شهرهای مسلمان نشین را در جزیره میندائو واقع در جنوب فیلیپین تصرف کنند.

روهان گوناراتنا رئیس مرکز بین المللی تحقیقات خشونت سیاسی و تروریسم در دانشگاه سنگاپور

داعش یک سازمان بسیار انعطاف پذیر است. داعش یک گروه منفرد نیست بلکه یک جنبش است. او ادامه می دهد. جهان هنوز هم یک استراتژی به درد بخور برای مهار کردن، منزوی کردن و از بین بردن داعش و راهی مرزهای عراق و سوریه ندارد. به همین علت ما بزودی شاهد گسترش جهانی این گروه خواهیم بود. اما منبع نگرانی اصلی آسیاست. جمعیت مسلمانان در آسیا بسیار بیشتر از خاورمیانه است.

ریچارد جواد حیدریان از صاحب نظران سیاسی در فیلیپین

ما باید منتظر محور داعش در آسیا باشیم. فرصتهای داعش در آسیا فوق العاده نامحدود است چون اینجا یک بازاری بزرگ برای داعش است. جاهایی مانند میندائو یک مأمن امن و عالی برای داعش است. مرزها در این ناحیه بشدت پر خلل و فرج هستند و براحتی می توان بین مالزی و اندونزی تردد کرد. اقلیت مسلمان در جنوب فیلیپین مطلقاً در شرایط خوبی زندگی نمی کنند و بشدت از اوضاع ناراحتند و همین نارضایتی، منطقه را به یک زیست بوم مناسب برای ظهور و رشد افراط گرایی بدل کرده است. اگرچه که مبدأ اصلی ظهور داعش سوریه و عراق بوده است، اما این دو کشور دیگر مانند سابق جذابیتی برای جهادی های بالقوه ندارد؛ اما به هر جهت این سازمان یک نشان ابدی بر پیشانی انواع و اقسام گروههای جنگجو که به پروژه خلافت این گروه ملحق شده اند چسبانده است.

محمد امیر رعنا رئیس موسسه مطالعات صلح پاکستان

داعش تا همین حالا هم هرچه توانسته انجام داده و به هر چیزی که خواسته خسارت وارد آورده است. داعش تمام گروههای بومی را هم از حیث ایدئولوژی و هم از جنبه عملیاتی، استحاله کرده است. این گروهها با القائنات داعش هم رادیکالتر شده اند و هم وحشیتر. شکستهای پیاپی داعش در خاورمیانه باعث شده است تا تمام سازمانهای وفادار به آن به تفکر در این بحث بنشینند که آنها تا چه اندازه می توانند وحشی و بیرحم باشند. همین بحث ها بود که سرمنشاء ایجاد انشعاب در گروه بوکو حرام شده است. این گروه هم اکنون به نام ولایت غرب آفریقای داعش مشهور است. یکی از این دو انشعاب، هر که را با این گروه همکاری نکند مرتد می شناسد و او را سزاوار مرگ می داند. گروه دیگر هم قائل به اعمال خشونتی هر چه تمامتر به مسیحیان و مسئولان دولتی است.

لامیدو مومونی هارونه عضو پارلمان نیجر که نماینده شهری در مرز این کشور با نیجریه است

این منطقه همواره هدف حملات بوکوحرام قرار دارد. در این زمینه می گوید که مطلقاً انتظار ندارد شکست داعش در موصل و رقه تاثیر چندانی بر حوزه انتخابیه او داشته باشد. جنگی که در این ناحیه وجود دارد مطلقاً ربطی به داعش ندارد و صرفاً یک درگیری محلی است. متنها، اوضاع و روند سیر تحولات در منطقه؛ بستر بسیار مناسبی برای رشد و پرورش داعش است.

ولادیمیر لپیاهین، رئیس مرکز تحلیلی اتحادیه اقتصادی اوراسیا

با تکیه بر تحولات اخیر افغانستان، آسیای مرکزی را هدف اصلی داعش و حامیان این سازمان دانست. هدف اصلی غرب به عنوان حامی تروریسم بین المللی ایجاد بی ثباتی در منطقه برای مبارزه بی پایان آسیای مرکزی و ایران با افراط گرایان است. برخی رسانه های روسیه به تازگی از پیروزی داعش در شمال افغانستان از جمله در نزدیکی مرزهای ترکمنستان خبر دادند و «مریا زخراوا» سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه انتقال شبه نظامیان و مهمات آنان با استفاده از بالگردهای نامشخص را در این منطقه تأیید کرد. قبل از این هم رسانه های جهانی هر روز پیروزی داعش در سراسر افغانستان را اعلام می کردند اما امروز به چنین تحولات باید توجه بیشتری کرد. در مرحله اول این اخبار به نزدیک شدن تروریست ها به مرزهای ترکمنستان اشاره می کنند. در مرحله دوم فعال شدن داعش همراه با سردی روابط «واشنگتن» و دولت افغانستان رخ داد.

«اولگا سوخاریوا» نویسنده مقاله ای در پایگاه خبری روسیا الیوم

واشنگتن در حال تنظیم صفوف داعش برای انتقال عناصر آن به افغانستان است؛ او به نقل از «زبیر مسعود»، عضو کمیته امنیت ملی افغانستان تأکید کرد: تروریست های داعش در حال تجدید قوا و تنظیم صفوف خود برای رفتن از سوریه و عراق به افغانستان، به خصوص ولایت بدخشان افغانستان در مرز با جمهوری تاجیکستان هستند. این نویسنده تأکید نموده این اطلاعات را حامد کرزای، رئیس جمهور افغانستان نیز تأیید کرده و گفته که نیروهای آمریکایی در افغانستان به دنبال تقویت مواضع داعش هستند.

عمر عربونی کارشناس نظامی لبنان

داعش تلاش می کند تا پارامترهای سیطره و نفوذش را در بیش از یک مکان تقویت کند و این اقدام را در شبه جزیره سیناء، اردن و لبنان ادامه می دهد به گونه ای که ضامن ارتباطات و نفوذش در منطقه باشد اما رویکرد و توجه اصلی داعش الجزائر، لیبی و نیجر خواهد بود تا مثلث نفوذ خود را در مناطق صحرایی تثبیت کند.

تحلیل و نتیجه گیری

در تحلیل نهایی باید گفت که سرنگونی کامل داعش در کوتاه مدت امکان پذیر نیست. در واقع، بازپس گیری مناطق و عقب نشینی داعش به معنای سرنگونی آن نیست. چرا که با بازپس گیری مناطق تحت تصرف داعش و از بین بردن امکانات آن، ایدئولوژی افراطی این گروه حذف نمی شود؛ بلکه این تفکر همواره نزد افراد هوادار و متمایل به این گروه باقی خواهد ماند. همچنین عواملی از جمله ساختار تشکیلاتی منظم، توانایی در جذب نیروی انسانی و جنگجویان خارجی، منابع مالی متعدد، تاکتیک های جنگی و... نشان داده که داعش پتانسیل آن را دارد که چند سال بعد با بهره برداری از بحران های داخلی یا خلاء امنیتی در کشورهای منطقه فعالیت خود را

از نو سازماندهی کند. به واقع وجود شرایط نامساعد کشورهای منطقه از قبیل فساد اداری، سیاسی و اقتصادی، تبعیض قومیتی، خلاء امنیتی و... ظهور جریان‌ها و گروه‌های دیگری حتی رادیکال‌تر از داعش را هم فراهم می‌آورد.

با توجه به این شرایط و همچنین نظر صاحب نظران می‌توان مقاصد بعدی داعش را در میان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، افغانستان و همچنین کشورهای آفریقایی بیشتر ارزیابی کرد. کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز عمدتاً کشورهای فقیر با دولت‌های اقتدارگرا هستند که این امر زمینه فعالیت گروه‌هایی چون داعش را فراهم نموده است. کما اینکه برخی از اعضای بسیار خشن داعش در عراق و سوریه از همین مناطق بودند. در افغانستان نیز فقر مردم و ضعف دولت مرکزی در کنار سابقه فعالیت طالبان از مهم‌ترین دلایل جذب داعشند. در میان کشورهای آفریقایی نیز شرایط سیاسی و اقتصادی مهیای فعالیت داعش است که این امر با توجه به ضعف دولت مرکزی در کشورهای چون لیبی داعش را مشتاق‌تر نموده است. بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد داعش در سطوح مختلف در کشورها و مناطق فوق فعالیت خواهد کرد.

ضمن اینکه فارغ از اینکه مقصد بعدی داعش کجاست، از آنجایی که داعش تبلیغات ایدئولوژیک اثربخشی بر مخاطبان دارد و همچنین از انگیزه بالایی برای تخریب ساختارهای اجتماعی و سیاسی کشورهای مسلمان برخوردار است، باید کشورهای اسلامی در برابر آن متحد شوند. **بنابراین اتحاد اسلامی میان کشورهای منطقه خاورمیانه راه کار اصلی مقابله با داعش است.** برای مقابله با داعش در ابتدا لازم است که چند پیش‌فرض مورد بررسی و توجه قرار بگیرد. بدیهی است که پیروزی‌های جبهه مقاومت اسلامی و تلاش‌های سازنده رزمندگان اسلام و جبهه مقاومت باید تبیین و تثبیت شود و از طرفی نقش مخرب داعش به بهترین نحو ممکنه برای افکار عمومی مسلمانان جهان تبیین شود. همچنین به بعضی اظهارنظرهای غربی‌ها و جبهه عربی وابسته به غرب علیه داعش اعتماد نشود؛ چرا که آن‌ها می‌خواهند از جرائم خود در حمایت از تروریسم در منطقه فرار کنند و به دنبال سهم‌خواهی در پیروزی‌های به‌دست آمده علیه تروریسم در منطقه هستند. برخی از کشورهای غربی در صدد هستند که با استفاده از فرصتی که داعش برای آن‌ها تهیه کرده، تفرقه در عراق و منطقه شعله‌ور کنند.

همچنین فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای باید بیانگر هماهنگی لازم میان اقدامات مختلف در جبهه مقاومت باشد، بدیهی است هماهنگی میان دیپلماسی سیاسی رسانه‌ای و اقدامات میدانی نیز مورد انتظار است. لذا برجسته‌سازی نقش دولت مرکزی عراق، فرماندهان ارتش و نیروهای مردمی این کشور در مقابله با گروه تروریستی داعش جزو اولویتهای جبهه مقاومت است. از جهتی با توجه به عقبه حمایتی غرب از داعش، شفاف‌سازی نقش کاذب و دوگانه آمریکا در تحولات منطقه و خصوصاً عراق و تبیین منشأ ایجاد گروه داعش، توسط غرب یکی از مهمترین اولویتهای است. لذا با توجه به سوابق غیرقابل اعتماد آمریکا در عراق و چرخش ناگهانی این کشور در مبارزه با داعش، چندان اهمیتی ندارد. با توجه به این اوصاف باید بر این نکته تاکید داشت که داعش از سوی ایران و روسیه بیشترین خسارت‌ها رو دیده و به دنبال ضربه زدن به این دو کشور است؛ بنابراین پیشگیری و مقابله با اقدامات گروه تروریستی (داعش) بسیار ضروری می‌باشد.

منتظر ارایه نظرات و پیشنهادات تکمیلی شما نویسندگان و کارشناسان گرامی خواهیم بود.

(صدفانه روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی)